

ساختار گونه‌هایی از صفت مرکب

■ محمدرضا دهقان زاده

کارشناس ارشد زبان‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش

■ چکیده

نوشته حاضر به‌عنوان تأملی در ساختار برخی از صفات مرکب، می‌کوشد نشان دهد که شماری از واژه‌هایی که صفت مرکب فرض شده‌اند، ساخت‌های نحوی هستند و به لحاظ ساختار موضوعی نمی‌توان آن‌ها را مرکب محسوب کرد. در این نوشته تلاش شده است به شیوه استدلالی اثبات شود که تعدادی از واژه‌هایی که در کتاب‌های دستور به‌عنوان صفت مرکب مطرح شده‌اند، دارای ساخت نحوی مستقلی هستند و شاید به همین دلیل، از میان فرایندهای ترکیب، انضمام و قیاس فرایند سوم در ساخت این ساخت‌های نحوی به‌عنوان واژه مرکب بیشترین تأثیر را دارند؛ بنابراین رفتار نحوی، معنایی و به ویژه ساختوازی این گونه واژه‌ها به‌عنوان صفت مرکب در خور تأمل است.

کلیدواژه‌ها: صفت مرکب، ترکیب، انضمام، قیاس، ساخت نحوی

■ مقدمه

ترکیب به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع علم صرف طی دو سه دهه اخیر به ویژه در میان دستوریان سنتی و نظریه‌پردازان جدید محل نزاع و مناقشه بوده است؛ چنان‌که هر دو گروه می‌کوشند با رویکردهای مختلف و از منظرهای متفاوت به اثبات مدعیات خود بپردازند. برای مثال، بحث فعل مرکب در زبان فارسی طی نیم قرن اخیر موضوع چالش

برانگیزی بوده است و نظریه‌پردازان حوزه زبان‌شناسی، اعم از داخلی و خارجی، به کرات به آن پرداخته‌اند. مقاله تأمل برانگیز دبیر مقدم با عنوان «فعل مرکب در زبان فارسی»، همچنین مقاله «انضمام در زبان فارسی» از شقاقی از نمونه‌های برجسته این موضوع‌اند. اگر چه دیگر صاحب‌نظران نیز، از منظر نظریه‌های مختلف صرفی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. علاوه بر این، طرح این موضوع در کتب درسی به

مواردی که به‌عنوان صفت مرکب مطرح شده‌اند به لحاظ ساختار موضوعی گروه نحوی‌اند و مرکب نیستند

دامنه اختلافات افزوده است.

اما بحث ترکیب صرفاً مقوله فعل را در برنمی‌گیرد بلکه سایر مقولات زبانی از جمله اسم، صفت، قید، حرف و... را هم شامل می‌شود. به نظر می‌رسد ترکیب در این حوزه‌ها کمتر مورد تردید و اختلاف نظر بوده است اما در مواردی که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، با دقت نظر کمتری به آن توجه شده است. چنان‌که در برخی از کتاب‌های دستور بخش صرف و یا کتاب‌هایی که منحصرأ به ساخت صرفی پرداخته‌اند، واژه‌هایی به‌عنوان صفت مرکب در نظر گرفته شده‌اند که با توجه به تعریفی که از واژه

مرکب و ترکیب داریم به لحاظ منطقی متناقض می‌نمایند.

این نوشته می‌کوشد نشان دهد که مواردی که در برخی از کتاب‌های دستور به‌عنوان صفت مرکب مطرح شده‌اند به لحاظ ساختار موضوعی گروه نحوی‌اند و مرکب نیستند.

در کتاب دستور زبان فارسی ۲ واژه‌های «این چنین، هر گونه، چگونه، این گونه، آن چنان، این همه، آن همه، همین، همان، این‌طور، این قدر و...» صفت مرکب در نظر گرفته شده‌اند

(انوری / گیوی، ۱۳۷۷: ۱۴۷)

علاوه بر این، در جمله‌های نمونه‌ای که به‌عنوان مثال مطرح شده‌اند، «این چنین» و «این همه» صفت مرکب با معانی تشبیه و چگونگی و مقدار مبهم در نظر گرفته شده‌اند.

۱.

الف) این چنین شهادت کار هر کسی نیست.

ب) این همه کتاب را برای چه خریده‌ای؟ کلباسی نیز در بحث انواع واژه‌های مرکب در فارسی آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: غیر فعلی و فعلی. وی در تقسیم واژه‌های مرکب غیر فعلی تحت عنوان پیش واپسته‌ای می‌نویسد: «پیش واپسته‌ای به گروهی از کلمات مرکب گفته می‌شود که با یکی از «وابسته‌های پیشرو» ساخته شده باشد.»

وابسته‌هایی را که در گروه اسمی قبل از هسته قرار می‌گیرند، «وابسته‌های

پیشرو» می‌نامند. کلمات مرکب پیش وابسته‌ای از نظر نوع اجزاء ترکیب شونده به انواع زیر تقسیم می‌گردند.

صفت پرسشی + [اسم ضمیر] ← [قید ضمیر]

چطور، چگونه، چقدر، چه جور، چه وقت...

صفت مبهم + [اسم ضمیر] ← اسم / ضمیر / قید

چند بر، چند سر، هر کدام، هر چه، هر یک، همه‌کس، همه‌چیز، هر قدر، هر گونه، هر وقت، هر جا، هر گاه و...

صفت اشاره + [اسم ضمیر] ← اسم / ضمیر / قید

اینجا، آنجا، آنچه، این همه، این گونه، این طور، این قدر و... (کلباسی، ۱۳۷۱: ۴۱)

علاوه بر این، مشکوة‌الدینی در دستور زبان فارسی می‌نویسد: «در سومین جایگاه پیش از اسم یعنی در جایگاه آغازی گروه اسمی، ممکن است یکی از عناصر چهار دسته حرف اشاره مشخص، حرف پرسشی، حرف تعجب و حرف اشاره‌ای نامشخص ظاهر شود؛ مانند:

الف) حرف اشاره‌ای مشخص: این، آن، همین، همان، این همه، آن همه

ب) حرف پرسشی: کدام، چند، چه قدر، چگونه، چهنوع

ج) حرف تعجب: عجب، چه، چقدر

د) حرف اشاره نامشخص: هر، هر نوع، هر گونه، چنین، این چنین، همه نوع، همه‌گونه»

(مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، نوری و کلباسی صراحتاً به نمونه‌های ذکر شده صفت مرکب گفته‌اند اما مشکوة‌الدینی اگر چه به ساختار نمونه‌هایی که آورده است اشاره‌ای نمی‌کند، آن‌ها را به‌عنوان یک واحد زبانی و یک واژه در جدولی که ارائه نموده قرار داده است.

بر آنیم تا در ادامه مطلب، ضمن تعریف فرایند ترکیب نشان دهیم که برخی از واژه‌هایی که به‌عنوان صفت مرکب مطرح شده‌اند، ساخت‌های نحوی مستقلی هستند که شاید قابلیت تبدیل به صفت مرکب را داشته باشند ولی هنوز به لحاظ ساختار موضوعی مرکب محسوب نمی‌شوند.

چنان‌که می‌دانیم، فرایند ترکیب از مهم‌ترین

فرایندهای واژه‌سازی زبان است. در این فرایند، با کنار هم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ و واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژ آزاد دستوری یا دو واژه غیربسیط واژه جدید می‌سازد. برای مثال، کلمه «شبنم» از دو تکواژ آزاد واژگانی و «چنان» از دو تکواژ آزاد دستوری ساخته شده‌اند (شقاقی، ۱۳۸۶: ۹۲).

مطالعه ساختمان واژه‌های مرکب نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها در اصل ساخت‌های نحوی از قبیل اضافه (چراغ قرمز، مادر بزرگ) همپایه (تخم و ترکه، سرخ و سفید) و انضمامی (عهد بستن، قول دادن، زود رنج) بوده‌اند.

تکواژها یا واژه‌هایی که همراه یکدیگر در ساخت زبان به کار می‌روند، به مرور زمان بر اثر هم‌نشینی دراز مدت برای اهل زبان، یک کلمه تلقی می‌شوند. سپس در گذر زمان، گویشوران زبان این شیوه کنار هم گذاشتن عناصر را قاعده‌ای رایج می‌پندارند و بر این اساس، به واژه‌سازی دست می‌زنند و واژه‌های تازه‌ای به قیاس با ساختار واژه‌های موجود تولید می‌کنند (همان: ۹۲).

با توجه به آنچه آمد، به تجزیه و تحلیل برخی از صفات مرکب می‌پردازیم تا نشان دهیم که این ساخت‌ها اگر چه به‌عنوان مرکب مفروض‌اند با توجه به استدلال‌های مطرح شده، آن‌ها را نمی‌توان مرکب فرض کرد. همچنان‌که ملاحظه گردید، دستورنویسانی که نام بردیم واژه‌های «این گونه، این چنین، آن همه، اینجا، این جور، هر گونه و...» را مرکب در نظر گرفته‌اند اما این واژه‌ها با توجه به رفتار ساختارزایی، نحوی و معنایی که دارند مرکب نیستند

به مثال‌هایی زیر دقت کنید؛

۲.

الف) این گونه کتاب‌ها را بیشتر مطالعه می‌کنم.

حال اگر این جمله را سؤالی کنیم، می‌گوییم:

ب) کدام گونه کتاب‌ها را بیشتر مطالعه می‌کنی؟ نمی‌توان گفت:

ج) کدام این گونه کتاب‌ها را بیشتر مطالعه می‌کنی؟

چنان‌که می‌دانیم، در مورد واژه مرکب، کل واژه باید مورد پرسش قرار گیرد:

۳.

الف) من به کتاب‌خانه می‌روم.

می‌پرسیم:

ب) به کدام کتاب‌خانه می‌روی؟

ادامه مطلب در وبگاه مجله

**این ساخت‌ها
اگر چه به‌عنوان
مرکب مفروض‌اند
با توجه به
استدلال‌های
مطرح شده،
آن‌ها را نمی‌توان
مرکب فرض کرد**

منابع

۱. انوری، حسن و حسین احمدی گبوی: دستور زبان فارسی ۲، فاطمی، چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۷۷.
۲. شقاقی، وبدا؛ مبنای صرف، سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
۳. کلباسی، ایران؛ ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، آری، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.
۴. مشکوة‌الدینی، مهدی؛ دستور زبان فارسی، سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.